

بود که شرکت نفت انگلیس و ایران<sup>۱</sup> در چند سال گذشته عملاً «همه چیز را خراب کرده است» و از این رو بر این باور بود که نباید به آن اجازه داده شود تا اوضاع را پیش از این لعین مان کند. این عملیات، فرصتی عالی و پیش‌بینی نشده برایمان فراهم کرده است که می‌تواند کنی اوضاع را در خاورمیانه دستخوش دگرگونی سازد. وی در پایان از روزولت خواست تا به رییس جمهور ایالات متحده بگوید وضع جسمانی‌اش بسیار بهتر شده است و می‌تواند تا آن جا که نیاز باشد به انجام وظایفش ادامه دهد. او همچنین از روزولت خواست تا پس از دیدارش با رییس جمهور ایالات متحده نامه‌ای برای او بنویسد و در آینده نیز با او در تماس باشد.

نخست وزیر چندین بار اشاره‌هایی کرد که حاکی از آن بود که او به سرویس اطلاعاتی بریتانیا همچون تشکیلات اداری خود نگاه می‌کند و قلباً با آن بسیار صمیمی و نزدیک است. به هر دو، شاید در آن هنگام به علت وضعیت جسمانی‌اش، در شناخت و تشخیص وجه نمایر میان ام. آی. ۵ و نام پیشین بخش امنیت ملی سرویس اطلاعات نظامی بریتانیا<sup>۲</sup> و ام. آی. ۶<sup>۳</sup> اینام پیشین اداره جاسوسی سرویس اطلاعات نظامی بریتانیا<sup>۴</sup> و نیز به طور قطع نسبت به سینکتر و تشکیلات آمریکایی‌ها دچار تردید و دودلی شده بود. علایم اختصاری سازمان جاسوسی سیا برای او هیچ مفهومی نداشت ولی نسبت به روزولت و ارتباط وی با دوست دیرینه‌اش، بیدل اسمیت، برداشت مبهمی داشت.

سینکتر در آغاز گفته بود که می‌پندارد اگر نه خودش و نه هیچ یک از اعضای تشکیلاتش در خلال گزارش دادن روزولت به دیگر اعضای دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان حضور نداشته باشند، احتمالاً تأثیر آن بهتر

1. Anglo-Iranian Oil Company (AIOC)
2. National Security Division of Military Intelligence (MI-5)
3. Espionage Department of Military Intelligence (MI-6)

خواهد بود و با این که می دانست روزولت قرار است با نخست وزیر و معاون وزیر امور خارجه دیدار کند، تنها یک استثنا بر روال این ملاقات ها پیشنهاد کرد. او می خواست بداند که آیا روزولت در مورد شرکت او در مذاکرات با سروینام استرنگ، معاون دایمی وزیر امور خارجه انگلستان، اعتراضی خواهد داشت یا نه. سینکلر توضیح داد که استرنگ سرچشمه مسؤرت سیاسی است و می تواند چنین مجوزهایی را که از وزارت امور خارجه درخواست شده، فراهم کند. نیز گفته بود علاقه مند است که شاهد تأثیر بخش های معینی از این نشست توجیهی بر استرنگ باشد. در جریان گفتگوها روشن شد که موضوع ویژه مورد علاقه سینکلر این بوده که پایگاه سیا در تهران اچه چه دلیل در روزهای ۱۵ تا ۱۹ اوت (۲۴ تا ۲۸ مرداد) هیچ گزارشی فرستاده است. سینکلر فردی متظاهر و خودنما نیست، اما نوعی رضایت خاطر در او دیده می شد و آن هنگامی بود که استرنگ با اشتیاقی آشکار به توضیحات واکنش نشان داده، اظهار نظر می کرد که روزولت تنها کار مسکن را انجام داده است و این که تصمیم درباره موضوعهایی از این دست تنها باید در میدان عمل گرفته شود. همان گونه که از دفتر کار استرنک بیرون می آمدند. یکی از کارمندان سینکلر شادی کتان همراه با پوشه ای که پوشیده از تراز قرمز، موم لاک و مهر و چیزهای دیگر بود، به نزدیک او آمد. سینکلر رویه روزولت کرد و گفت این نشانگر موافقت با طرحی است که پیش از این وزارت امور خارجه بریتانیا آن را رد کرده بود و این جرخش معکوس وزار تخانه، پیامد پیروزی در ایران است.

## ۱۰- درسهای آموخته شده از عملیات

به نظر نمی آید که دو عنصری که از عملیات پشتیبانی می کردند،

توانایی لازم برای تأمین نیاز فوری، با بیشترین شتاب و مهارت را داشته باشند. این عناصر، کارمندان ارشد مخابرات و جنگ روانی<sup>۱</sup> بودند. شمار زیادی از افسران مخابراتی در مرکز فرماندهی، نیکوزیا و تهران، ساعت‌های زیادی را اضافه‌کاری داشتند و اشتیاق و ابتکاری ستودنی در راستای پرداختن به حجم سنگینی از مبادلات مخابراتی، از خود به نمایش می‌گذاشتند. در روزهای ۱۴ مه تا ۱ سپتامبر (۲۴ اردیبهشت تا ۱۰ شهریور)، روپهم رفته تعداد ۹۹۰ فقره پیام در مورد تی.پی.آژاکس به مرکز فرماندهی وارد و یا از آن صادر شد. مرحله ناخوشایند این ارتباطات، ارتباط سه جانبه میان مرکز فرماندهی، نیکوزیا و تهران بود که در واقع برای فرستادن همزمان پیام از هر یک از این سه ایستگاه به دو ایستگاه دیگر، تسهیلات اداره ارتباطاتی خاور میانه در دسترس آن مراکز قرار می‌گرفت. تقریباً تا پایان دوره عملیات در تهران، در امر رد و بدل شدن پیام به مقصد نیکوزیا و بر عکس، تأخیر چشمگیری وجود داشت. همچنین شاید بتوان گفت که زمان فرستادن و دریافت پیام، درای شتاب پیش‌بینی شده نبود. شمار بسیار اندکی از پیام‌های فوری عملیاتی<sup>۲</sup> از هر یک از این سه ایستگاه، فرستاده می‌شد، اما هنگامی که تهران چنین پیامی را می‌فرستاد سه تا چهار ساعت به درازا می‌کشید تا به مرکز فرماندهی برسد؛ منظور، مدت زمان میان فرستادن پیام، رمزگشایی و دریافت آن توسط بخش خبری شاخه عملیاتی است. در ماه ژوئیه (تیر و مرداد) از کارمندان جنگ روانی درخواست پشتیبانی شد، پیامها توسط شاخه عملیاتی دریافت گردید و سطوح بالاتر علاقه‌مند شدند تا پاره‌ای از مطالب مانند مون خبری، تفسیرها و سرمقاله‌ها، در روزنامه‌های این کشور درج یابند. خود متون‌ها توسط شعبه چهارم بخش خاور نزدیک که در مورد موضوع‌های آن با مرکز فرماندهی و پایگاه [سیا] به توافق رسیده

بود، فراهم شد. چنین برنامه‌ریزی شده بود که چکیده‌هایی از این اخبار و اطلاعات برای بخش میان مطبوعات محلی دوست به پایگاه تلگراف شود و از این راه مبارزه تبلیغاتی به گونه‌ای فعال علیه مصدق مورد حمایت قرار گیرد. این پیشبینی انجام نشد. بنابراین برای شعبه، این گونه به نظر می‌آمد که کویبی مرکز فرماندهی از رابط‌هایی که توانایی نشر اخبار و اطلاعات را داشته باشند، بی‌بهره بود. بنابراین ناشر آمریکایی، افزون بر این که از منبع اخبار بی‌اطلاع بود، در درستی آن نیز تردید داشت. بر خلاف این کار کم و بیش بی‌نتیجه، دایره ایران در وزارت امور خارجه ایالات متحده، توانست یکی از بررسی‌های سازمان سیا را با بهره‌جویی از مجرای عادی انتقال خبر از افسر آن دایره به خبرنگار مجله، در نیوزویک به چاپ برساند. با آگاهی از این واقعت که سازمان سیا قادر نبود از مجاری مزبور بهره‌برد، چنین می‌نمود که بهبود قابلیت‌ها تا اندازه‌ای، مورد نیاز است. بنابراین یا آن رابط‌هایی که ناآگاهانه به چاپ اخبار مبادرت می‌ورزیدند، باید گسترش و بهبود می‌یافتند و یا در غیر این صورت باید تدابیری اندیشیده می‌شد تا اخبار مستقیماً به دست سردبیران تأیید شده و یا افراد صاحب امتیاز نشریات برسد.

در طول دوره عملیات، اعضای سازمان سیا با اعضای سرویس اطلاعاتی بریتانیا در واشنگتن، نیکوزیا، لندن و بر حسب اتفاق قاهره، در ارتباط بودند. مگر یک مورد، در همه این مراکز، ما در سرزمین آنان حضور داشتیم. بنابراین در موقعیتی بودیم که می‌توانستیم در آن سازمان نفوذ کنیم و بویژه در مورد شرح حال کارکنان، اطلاعاتی به دست آوریم. این واقعت آشکار که سازمان کاملاً آماده بود تا در مقام شریک و همدستی دون پایه ایفای نقش کند، مطلبی است که در بندهای پیشین آمده است. نیز در آن جا اشاره شد که افسران ویژه سرویس اطلاعاتی بریتانیا قاطعانه می‌گوشیدند تا دوستی و اعتماد رابط‌هایشان را به دست آورند. وجود اصطکاک میان ستاد

سرویس اطلاعاتی بریتانیا و پایگاه آن سرویس در نیکوزیا نیز برای ما موضوعی گیرا و جالب توجه بود. هر چند چیزی که از دیدگاه عملیاتی بی اندازه شایان توجه می نمود، شمار بسیار محدود کارکنانی بود که سرگرم عملیات خاور میانه بودند. در نیکوزیا تنها دو افسر و دو ماشین نریس حضور داشتند که هم به مسایل ایران و هم به مسایل چندین کشور دیگر خاور میانه، می پرداختند. در مرکز فرماندهی لندن، هیچ فردی فقط به مسایل ایران نمی پرداخت و فعالیت تنها کارشناس این حوزه، به مسایل خاور میانه و خاور دور گسترش یافته بود. این کمبود کارشناس، در چند مورد دیده می شد که در نگاه نخست کاملاً شگفت آور بود. نمونه ای از این واقعیت آن است که نماینده ای که در واشنگتن خدمت می کرد، ناچار بود بخش چشمگیری از وقتش را به رمزگذاری و رمزگشایی پیامها اختصاص دهد. این محدودیت کارشناس، شایان توجه بود؛ زیرا آگاه شدیم که همه افراد خبره دوره استعماری و نیز همه افراد ورزیده و چیره دست اداره هند، برکنار شده بودند. بدون تردید دو افسری که در نیکوزیا مستقر بودند و به امور سازمان سیا می پرداختند، جوان و مصمم بودند. افسری که مسئولیت آن جا را بر عهده داشت، دارای شش سال سابقه خدمت در آن کشور بود و بی اندازه زبان محلی را روان و راحت صحبت می کرد و افسر جوان تر که هنوز هم کارآموز بود، آشنایی کاملی با آن زبان داشت.

در مورد قدرت برنامه ریزی مرکز فرماندهی و پایگاه [سیا در تهران] و نیز تواناییهای جاسوسان محلی در اجرای دستورهای کلی و ویژه، درس های دیگری نیز از این عملیات آموختیم. نخست نقد و ارزیابی کوتاهی در مورد برنامه ریزی مرکز فرماندهی می کنیم.

همان گونه که در صفحه های پیشین مفصلاً اشاره شد، نقشه عملیاتی به گونه مستقیم بر اساس یک رشته فرض ها و پندارها گسترش یافت که

توسط سازمان سیا با همدستی سرورس اطلاعاتی بریتانیا بنیان نهاده شده بود. با انجام یک ارزیابی کوتاه چنین فرض‌های عمده‌ای به دست آمد:

۱- در صورتی که فشارهای همه جانبه اعمال شود، شاه را می‌توان وادار کرد تا اقدام دلخواه را انجام دهد.

۲- دلگرم ساختن زاهدی به این که شاه از او پشتیبانی می‌کند، موجب خواهد شد تا او، هم دست به کار شود و هم این که از پشتیبانی شمار بسیاری از افسران کلیدی برخوردار گردد.

۳- در صورتی که افراد نظامی در گزینش میان پیروی از دستورات شاه و دستورات مصدق زیر فشار قرار گیرند، از دستورهای شاه فرزنداری خواهند کرد.

این فرض‌ها خواه در چارچوب طرح عملیاتی چنین عنوان و نحوه در بررسی اوضاع جاری نادرست از آن بحث شده باشد، مورد چالش قرار گرفت. سفیر ایالات متحده [هندرسون] افسر بخش خبری وزارت امور خارجه ایالات متحده در مسایل ایران و همچنین شعبه اوزارت امور خارجه ایالات متحده در امور یونان، ترکیه و ایران، بافتاری می‌کردند که فرض نخست، تماماً بی‌پایه است. سفیر هندرسون اظهار می‌داشت که این فرض که شاه فعالانه همکاری خواهد کرد، نادرست است.

بانگاه هم در یک مورد، نظری مشابه بدین شرح اظهار داشت: «واقع‌بینانه نیست که انتظار داشته باشیم شاه مسؤولیت کودتایی را بر عهده گیرد که مورد پشتیبانی ارنش است». اداره اطلاعات و تحقیقات، وابسته به وزارت امور خارجه هم در یک بررسی ویژه به تاریخ ۲۹ ژوئیه ۱۹۵۳ (۷ مرداد ۱۳۳۲) تحت عنوان «برآورد پیامدهای احتمالی ناشی از برداری مصدق در مقام نخست‌وزیر» ناطعانه بر این باور بود که مخالفت با مصدق، مخالفی است بدون برنامه و در برگیرنده عناصری ناهمکن که توان انجام

اقدامی هماهنگ را ندارند. چگونه بود که برنامه‌ریزان مرکز فرماندهی با همه این نگرشهای مطلوب، در تضاد و کشمکش بودند. علت این بود که ضرورت طرح ایجاب می‌کرد که از پذیرش وضع موجود پرهیز شود تا بتوان در موضعی بی‌باکانه‌تر قرار گرفت. از سوی دیگر، این طرح بر پایه اصول عملکردی قدرتمندانه و قاطع بود تا این فرض‌ها هم تحقق یابند. باید یادآور شد که در خلال گفتگوهای بیروت و طی رد و بدل شدن پیامهای بعدی، نمایندگان پایگاه [اسیا] فرضهایی را پذیرفتند که پیش از این با آن مخالفت کرده بودند. بنابراین، همان‌گونه که زمان اجرای عملیات فرا می‌رسید، هماهنگی کامل نیز بدست می‌آمد.

نه تنها آزمودن فرضهای اساسی موجب زایل شدن اعتبار آنها نشد، بلکه دیگر عوامل طرح هم که بر پایه برآورد روانشناختی و همه‌جانبه ایرانیان تعیین شده و در نیکوزیا و بیروت مورد بحث و تبادل نظر قرار گرفته بودند، همان‌گونه که پیش‌بینی می‌شد، به نتیجه رسیدند. چون تشخیص داده شد که تنها شمار اندکی از ایرانیان درگیر در عملیات، به وظیفه خود عمل خواهند کرد، از این رو جنبه‌های عملیاتی طرح اقتضا می‌کرد که کوششهایی پیوسته در راه دستیابی به هدف انجام گیرد. این تجزیه و تحلیل، درست بود. مسؤلیت به بیراهه رفتن جنبه نظامی نخست را می‌توان به ایرانیان نسبت داد که درست در واپسین لحظه‌ها از پذیرش رهنمودهایی خودداری کردند که به گمان پایگاه بسیار ضروری بودند.

با نگرش به این واقعیت که جنبه‌های نظامی طرح، مناسب و مکمل عملیات بود و جهت آبراز بیزاری به دولت مصدق طرح شده بود، افراد مسوول اجرای طرح در این زمینه می‌بایست بیش از همه در جزئیات اجرای آن، تغییر مسیر دهند. طرح عملیاتی بر برنامه بست‌نشینی همه‌جانبه علیه دولت تأکید می‌ورزید، اما به علت انحلال مجلس و نیز به دلیل این که با

نفوذترین رهبران مذهبی خواهان اجرای تعهدهای خود نبودند، انجام این برنامه غیرممکن شد. برنامه ریزان، این بی میلی رهبران مذهبی را پیش بینی کرده بودند. اما جاسوس های اصلی سرویس اطلاعاتی بریتانیا به آدن اطمینان می دادند که این رهبران، هر کاری را که از آنها درخواست شود، انجام خواهند داد. به هر رو چون این مورد به شکست انجامید، شیوه های دیگری به کار گرفته شد تا به دشمنی مردم دامن زده شود. پاره ای از این شیوه ها را پایگاه (سیا) پیشنهاد می کرد و دیگر موارد نیز محصول ذهن عوامل و جاسوسان آن بود. در صفحه های پیشین در کنار پرداختن به رویدادهای تهران به این فعالیت ها هم اشاره شد و در اینجا ضروری است تنها به یکی از این برداشتها در مورد آن چه در خلال این عملیات در ارتباط با نفوذ مطبوعات در ایران فراگرفته شد، بار دیگر اشاره کنیم. باید اعتراف کرد که با وجود سائها و مساهها همکاری با مطبوعات مورد حمایت مالی و روزنامه نگاران رشوه خوار (یا میهن پرست) آنها در تهران، پایگاه هنوز متنبس نبود که آیا نتایجی که به دست می آورد با مبلغی که در این راه صرف شده قابل سنجش است یا نه. در ماه ژوئیه و اوایل اوت (تیر و مرداد) مطبوعاتی که با ما و باها دولت انگلستان روابط کاری داشتند، علیه مصدق انتشار می یافتند. همان گونه که واکنش عموم در روزهای پس از ۱۶ اوت (۲۵ مرداد) به داوری نشست، بی تردید این مبارزه، مخاطبان بی شماری را در بر گرفت و به گونه مستقیم بر اندیشه های آنان اثری بسیار مثبت گذاشت. در باره این فعالیت مطبوعاتی، تجزیه و تحلیل جداگانه ای باید انجام شود تا رهنمودی برای اقدامات آینده باشد.

این عملیات فرصتی بود برای آزمودن جاسوسان اصلی ایالات متحده و نیز جاسوسان اصلی پایگاه (سیا در تهران) که معهد به انجام این کار دستور شده بودند. همه این جاسوسان کارشان را بسیار عالی انجام دادند. به سادگی



می‌توان گفت که آنان چنین کار بسیار شایسته‌ای را نه فقط به سبب اجرایی دستور انجام دادند، بلکه با تمام وجود هوادار این عملیات بودند. این مسأله به جای خود؛ اما این واقعیت را هم نباید نادیده گرفت که برای به کارگیری این افراد که پایگاه بسیار [زیاد] زمان زیادی را صرف آن نموده، کسانی گزینش شدند که مرام و مسلک آنان با سیاست ایالات متحده آمریکا نسبت به ایران و اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی همسو بود. در جذب آینده نیروها در ایران، این عامل نباید نادیده گرفته شود. در مورد این واقعیت باید گفت که لیاقت و کاردانی فوق‌العاده این جاسوسان در عملکردشان نمایان می‌شد. در یکی از دوره‌های بسیار بحرانی و پرتنش، با این که عوامل اصلی پایگاه [با آن در ارتباط نبودند، به ابتکار خودشان دست به اقداماتی می‌زدند که در شرایط معمول هم از آنها خواسته می‌شد.

عملکرد جاسوس‌های محلی آشکارا وسیله‌ای است برای نشان دادن ارزش و اهمیتی که به برنامه‌ریزی درازمدت پایگاه داده شد. عامل دیگری از این دست که اهمیت بسیاری دارد، توانایی پایگاه در ارزیابی مدارک محلی در کوتاه مدت بود که بی‌درنگ پس از صدور، در دقیق‌ترین بازرسی‌ها نیز، جعلی بودنشان قابل تشخیص نبود. مراحل تدارک این برنامه، مدت مدیدی به درازا انجامید.

این عملیات از نیاز به گسترش امکانات درازمدت دیگری نیز بهره برداشت. نکته مهم در این زمینه، آماده‌سازی خانه‌هایی امن است که دست کم دو باب از آنها، نارسیدن زمان اضطرار واقعی مورد استفاده قرار نگیرند. در این میان مجربان طرح عملیاتی، از محوطه سفارت و نیز خانه‌های اشغال شده توسط کارکنان آمریکایی به طرز استادانه بهره‌برداری می‌کردند و سفارت به گونه‌ای سنجیده مواظب بود، هر چند؛ این امکان وجود داشت که نظارت دقیق عوامل دولتی، این تلاش‌ها را بی‌اثر سازد.

از جمله امکانات درازمدت دیگری نیز که پایگاه آسیا معتقد است باید توسعه یابد، ایجاد تسهیلات چاپ و تکثیر است. پایگاه براین باور است که این تسهیلات باید در محوطه سفارت استقرار یابند. این موضوع اکنون در دست بررسی است؛ چه، به نظر می آید که انتقال وسایل تدارکاتی به داخل سفارت و نیز جابجایی اعلامیه ها و نوشته ها جهت بخش، مشکلاتی جدی به بار خواهد آورد.

برای اجرای این طرح عملیاتی، نقش عمده ای به افراد مهم ایالات متحده سپرده شد. اما این امر بدان معنی نیست که این عملیات بدون همکاری و همدمستی فعالان افراد زبده انگلیسی به سامان می رسند. نخست این که، اگر شاه سرانجام باور نمی کرد که هم ایالات متحده و هم انگلستان آماده اند تا از او پشتیبانی کنند، این امکان وجود نمی داشت که بتوان او را وادار به اقدام کرد. دوم این که اگر سهمی از این عملیات به دولت بریتانیا داده نمی شد، انگلیسی ها، یا همه دانسته های خویش را پیرامون این عملیات برای دولت مصدق آشکار می کردند، یا آن که فعالان سی کوشیدند تا شاهد شکست آن باشند. آموزه ما در اینجا روشن است. همچون صحنه بزرگتر جهانی، منافع و فعالیت های ایالات متحده - انگلستان باید با یکدیگر هماهنگ و همسو باشد. در عرصه های کاری ویژه، هنگامی که هر دو بی می برند که هدفشان در واقع یکسان است، با همکاریهای مستقیم می توانند دستاوردهای مهمی به دست آورند.

واپسین موضوع قابل توجه، مربوط است به مسائل امنیت که با چنین عملیاتی ارتباط دارد. از لحظه ای که عملیات به جریان افتاد، بخش خاور نزدیک و افریقا تلاشی جدی به کار بست تا تدابیر امنیتی ویژه ای اعمال شود. از این رو، در این بخش حتی در شعبه چهارم بخش خاور نزدیک، قانون «لوزوم آگاه شدن از اطلاعات طبقه بندی شده» به مرحله اجرا درآمد. هر چند

هنگامی که عملیات به پایان رسید، شمار زیادی از افراد انگلیسی و آمریکایی، از آن چه روی داد، آگاه بودند. شعبه چهارم بخش خاور نزدیک، نام همه افراد آگاه از طرح و اهداف اکودتا را فهرست کرده بود. شمار این افراد که پس از اندازه زیاد بودند، به ۸۹ نفر می‌رسید. راهی برای آگاهی یافتن از این که این طرح بدون اطلاع شعبه چهارم بخش خاور نزدیک، با چند نفر در میان گذاشته شده بود، وجود ندارد. این درست است که افراد بسیار محدودی از همکاری و همدستی ایالات متحده و انگلستان با این طرح آگاه بودند، با وجود این پیشنهاد می‌شود که در آینده هر زمان که قرار است عملیاتی چنین کلان و با این حساسیت به اجرا در آید، از همان آغاز باید یک افسر امنیتی ویژه به کار گرفته و به او مسئولیت داده شود تا به وقت این موضوع را دنبال کند که هر فرد در باره طرح تا چه اندازه آگاهی دارد.



## پیوست الف

برنامه مقدماتی عملیات تی.پی.آژاکس

که در تاریخ ۱ ژوئن ۱۹۵۳ (۱۱ خرداد ۱۳۳۲) از

نیکوزیا به مرکز فرماندهی تلگراف شده است

[www.chebayadkard.com](http://www.chebayadkard.com)

## چکیده برنامه مقدماتی که توسط نمایندگان سرویس اطلاعاتی بریتانیا و سیا در قبرس آماده شده

### اول. گامهای نخست

#### الف. کمکهای مالی موقت به مخالفان

- ۱- سیا ۳۵ هزار دلار برای زاهدی فراهم خواهد کرد.
- ۲- سرویس اطلاعاتی بریتانیا ۲۵ هزار دلار برای زاهدی تأمین خواهد نمود.
- ۳- شبکه‌های محلی وابسته به سرویس اطلاعاتی بریتانیا در ایران، وجه مزبور را برای زاهدی فراهم خواهند کرد.
- ۴- در صورت نیاز، سیا به رهبران نظامی کاپیدی، کمک مالی خواهد کرد.

#### ب. جلب همکاری شاه

- ۱- مرحله نخست، شاه را متقاعد کنید که بریتانیا و ایالات متحده، هدف مشترک دارند و ترس بیمارگونه او را در مورد توطئه‌های بریتانیا علیه خودش را برطرف کنند.

۱-۱ سفیر ایالات متحده، هندرسون<sup>۱</sup>، طی دیداری با شاه، او را از کمک مشترک ایالات متحده و بریتانیا مطمئن سازد و این که بریتانیا نه از مصدق که از او پشتیبانی می‌کند.

۱-۲ هندرسون به شاه بگوید که نماینده ویژه ایالات متحده، بزودی جهت ارایه برنامه مشترک ایالات متحده و بریتانیا به او معرفی خواهد شد.

۲- مرحله دوم: نماینده ویژه ایالات متحده، برای مطرح کردن موارد زیر با شاه دیدار خواهد کرد:

۱-۲ نکاتی که به شاه ارایه می‌شود

۱-۱-۲ هر دو دولت مسأله نفت را در درجه دوم اهمیت قرار می‌دهند.

۱-۲-۲ مسأله اصلی، حفظ استقلال ایران و مصون داشتن آن از فرو افتادن در مدار شوروی است. برای انجام این امر، مصدق باید بر کنار شود.

۱-۲-۳ خاندان حاکمه کنونی، بهترین سنگر برای حفظ اقتدار ملی است.

۱-۲-۴ تا زمانی که مصدق بر سر قدرت است، ایالات متحده هیچ‌گونه کمکی به ایران نخواهد رساند.

۱-۲-۵ مصدق باید برود.

۱-۲-۶ کسکهای مالی ایالات متحده و بریتانیا، بویژه با روی کار آمدن کابینه جایگزین، به این دولت خواهد رسید.

۱-۲-۷ موافقت‌نامه مورد قبول نفت ارایه خواهد شد، اما دولت جایگزین ناچار نخواهد بود تا در این مورد شتاب‌کند.



۲-۲ درخواستها از شاه:

۲-۲-۱ شما باید در براندازی مصدق پیشگام باشید.

۲-۲-۲ در غیر این صورت، مسئول سقوط کشور خواهید بود.

۲-۲-۳ همچنین در صورت پرهیز از این امر، خاندان شاهی  
برخواهد افتاد و پشتیبانی ایالات متحده و بریتانیا از شما،  
پایان خواهد پذیرفت.

۲-۲-۴ چه کسی را برای ریاست دولت جدید پیشنهاد می‌کنید؟  
(ماهرانه تلاش شود تا شاه نام زاهدی را مطرح کند.)

۲-۲-۵ اخطار در مورد این که این بحث مورد نظر شایع نشود.

۲-۲-۶ طرح عملیاتی تدارک دیده شده با زاهدی، برای شما  
تشریح خواهد شد.

## دوم. توافق با زاهدی

الف. پس از موافقت شاه با موارد بالا، به زاهدی اطلاع دهید که با  
حمایت ایالات متحده و بریتانیا، به ریاست دولت جایگزین،  
منتصب شده است.

ب. در مورد یک طرح مشخص عملیاتی و جدول زمانی آن، با او به  
توافق برسید. دو راه برای به قدرت رساندن زاهدی وجود دارد.  
۱- اقدام شبه قانونی، بدین گونه که شاه از راه صدور فرمان شاهانه،  
زاهدی را تحت عنوان نخست وزیر معرفی می‌کند.  
۲- کودتای نظامی.

نخست، شیوه شبه قانونی باید به کار گرفته شود. اگر این شیوه  
ثمربخش بود، دست کم بخشی از کودتای نظامی، اجرا خواهد  
شد. در صورت شکست، ظرف چند ساعت، تمام کودتای نظامی

به دنبال خواهد آمد.

### سوم. ارتباط با مجلس

این امر، جهت اقدام شبه قانونی، دارای اهمیت است. به این منظور، باید به نمایندگان مجلس رشوه پرداخت شود.

الف. هدف اساسی؛ کسب ۴۱ رأی علیه مصدق و نیز تضمین حد نصاب رأی جهت اقدام شبه قانونی مزبور، از طریق اتکا به ۵۳ نماینده در مجلس است (از نظر سرویس اطلاعاتی بریتانیا باید به ۲۰ نماینده‌ای که اکنون در کنترل ما نیستند، رشوه پرداخت گردد).  
ب. تماس با نمایندگان باید از طریق عوامل محلی سرویس اطلاعاتی بریتانیا انجام گیرد. سیادر هنگام نیاز و از راه فشار بر نمایندگان مجلس، پشتیبانی را صورت می‌دهد و بخشی از وجه را فراهم خواهد کرد.

### چهارم. ارتباط با رهبران مذهبی

رهبران مذهبی می‌بایست:

الف. موافق نبودن خود را با مصدق ترویج کنند.  
ب. به هنگام نیاز، زیر پوشش دین، تظاهرات سیاسی به راه اندازند.  
ج. پشتیبانان شاه را تقویت کنند.  
د. پس از کودتا از طریق رادیو و مساجد، تفسیرهای محکمی بدهند که دولت جدید به اصول اسلام پایبند است  
احتمالاً برای تشویق، به روحانی برجسته [آیت‌الله] بروجردی سمت وزیر مشاور پیشنهاد شود؛ یا این که اعمال از ماده از قانون اساسی که مورد بی توجهی قرار گرفته است و متضمن حق نظارت

پنج روحانی بر قوانین مصوبه است، در دستور کار قرار گیرد.  
 ه [تودهای نام حذف شده است] باید تشویق شوند به طور مستقیم  
 نمایندگان هواخواه مصدق را تهدید کنند.

### پنجم. ارتباط با بازار

ارتباط با بازار جهت پخش سایعه‌های ضد دولتی و احتمالاً به نفع  
 اعتراض علیه دولت، بازار به تعطیلی کشیده شود.

### ششم. [حزب] توده

زاهدی می‌بایست منتظر واکنش شدید حزب توده باشد و خود را برای  
 پاسخی خشن‌تر آماده نماید.

الف. دستگیری دست کم ۱۰۰ تن از رهبران حزب و جبهه ملی.

ب. محاصره جنوب تهران جهت جلوگیری از سرانیز شدن  
 تظاهرکنندگان توده‌ای.

ج. به وسیله اعلامیه‌های سیاه<sup>۱</sup>، اعضای حزب توده را هدایت کنند که  
 وارد عمل نشوند.

### هفتم. مطبوعات و برنامه تبلیغاتی

الف. پیش از کودتا، باید تبلیغات ضد مصدق را شدت بخشند.

ب. زاهدی باید به سرعت رؤسای کارآمدی را برای مطبوعات و تبلیغات  
 دولتی منصوب کند و آنان می‌بایست:

۱- همه خبرنگاران خارجی را در جریان امور بگذارند.

۲- اظهارنظرهای رسمی از پیش آماده شده ایالات متحده و بریتانیا را

منتشر کنند.

۳- بیشترین استفاده را از رادیو تهران بنمایند.

### هشتم. ارتباط با قبایل

- الف. کودتا هرگز موجب تحریک قبایل بختیازی، لرها، کرد، بلوچ، ذوالفقاری، ممسنی، بویراحمادی و خمسه نخواهد شد.
- ب. مشکل عمده، خنثی کردن رهبران ایل قشقایی است.

### نهم. راهکارهای مربوط به سرنگونی شبه قانونی

- الف. در این لحظه، مناسب‌ترین نگره، «برنامه» است که از طریق آن، خیل نظاهرکنندگان در جستجوی پناهگاهی مقدس، به محوطه مجلس روی می‌آورند. عناصری که تجار بازار مهیا کرده‌اند، همچنین ۴ هزار نفری که گروههای مهار شده سرویس اطلاعاتی بریتانیا و عناصر دیگری که سیا در اختیار گذاشته، همگی به آن کسانی خواهند پیوست که رهبران مذهبی در اختیار دارند.
- ب. به طور گسترده تبلیغ خواهد شد که این جنبش معترضانه، در نتیجه تاخیر سندی عمومی از دو اقدام دولت مصدق بر پا شده است که در زیر می‌آید:

- ۱- نخست این که دولت مصدق اساساً ضد مذهبی است و روشن‌ترین دلیل آن، پیوندهای میان مصدق و حزب توده و میان او و شوروی است. درست پیش از آغاز جنبش، سیا پیرامون اسنادی ساختگی که بیان‌کننده موافقت‌نامه‌ای پنهانی میان مصدق و حزب توده است، تبلیغاتی گسترده به راه می‌اندازد.

- ۲- دوم این که مصدق با روش استبدادی سرسختانه‌اش، کشور را به

سوی فروپاشی کامل اقتصادی سوق می‌دهد. درست پیش از جنبش، سیا تبلیغات گسترده‌ای پیرامون شواهدی دال بر جناب غیرقانونی اسکناس، به راه می‌اندازد. سیا شاید توانایی چاپ اتیوه اسکناس جعلی یا کیفیت بالا را داشته باشد که با پخش این خبر، به صورت گسترده‌ای نشر خواهند یافت.

ج. پناهجویی مذهبی باید در سبیده دم روز کودتا روی دهد. بی‌درنگ پس از این امر، مجلس طرحی متضمن محکومیت دولت را می‌گذرانند. پس از آن می‌بایست برکناری مصدق و انتصاب زاهدی به نخست‌وزیری اعلام شود. در صورت موفقیت این اقدام، کودتا تا اوایل بعد از ظهر، صورت نهایی به خود خواهد گرفت. اما در صورت شکست، کودتا به هنگام غروب آن روز اجرا خواهد شد.

[www.chebayadkard.com](http://www.chebayadkard.com)

پیوست ب  
طرح مقدماتی لندن  
برای عملیات تی.پی.آزاکس





## فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱۷۷	اول. مقدمه
	دوم. برنامه عملیاتی
۱۷۸	الف. پشتیبانی مقدماتی از مخالفان دولت مصدق
۱۷۹	ب. نقش شاه همچون کانون مرکزی مخالفت
۱۸۰	۱. مرحله نخست
۱۸۰	۲. مرحله دوم
۱۸۲	۳. مرحله سوم
۱۸۳	ج. توافق با زاهدی
۱۸۴	د. سازماندهی جهت اجرای سرنگونی
۱۸۵	۱. سازماندهی برای اجرای کودتا
۱۸۵	۱-۱ دبیرخانه نظامی
۱۸۵	۱-۲ وظایف دبیرخانه
۱۸۶	۱-۳ اقدام در روز کودتا

۲. سازماندهی برای برانگیختن حداکثر مخالفت عمومی

- ۱۸۸ ..... با مصدق پیش از کودتا
- ۱۸۸ ..... ۲-۱ برنامه‌های کلی
- ۱۸۸ ..... ۲-۲ وظایف عناصر خاص
- ۱۸۸ ..... ۲-۲-۱ مطبوعات و تبلیغات
- ۱۹۰ ..... ۲-۲-۲ مجاری
- ۱۹۱ ..... ۲-۲-۳ عناصر سیاسی غیر از حزب توده
- ۱۹۱ ..... ۲-۲-۴ رهبران سادسیتی
- ۱۹۲ ..... ۲-۲-۵ تجار بازار
- ۱۹۳ ..... ۲-۳ آخرین اقدام پیش از کودتا
- ۱۹۵ ..... سوم. ارزیابی احتمال کامیابی برنامه عملیاتی
- ۱۹۶ ..... چهارم. پیوست‌ها

## اول - مقدمه

سیاست هر دو دولت ایالات متحده و بریتانیا ایجاب می‌کند تا همچون راهکاری برای جلوگیری از فروپاشی اقتصادی ایران و سرانجام فرو افتادن آن در مدار شوروی، فرد دیگری را جایگزین مصدق کنند. تنها از راه یک جایگزینی برنامه‌ریزی شده است که می‌توان یکپارچگی و استقلال این کشور را تضمین کرد.

سرلشکر زاهدی، هم اکنون تنها فردی است که قدرت راهبری یک دولت جدید را دارد و برای سرکوبی نفوذ کمونیست‌های شوروی و انجام اصلاحات بنیادین، شایان اعتماد است.

برنامه زیر، سه مرحله‌پی در پی را در بر می‌گیرد. دو مرحله نخست، مقدم بر عملیات نظامی است. این دو، شامل دوره پشتیبانی مهندسانی کنونی و اقدامات گسترده تبلیغاتی است (بندهای زیر را نگاه کنید). این مراحل، برای منافع متقابل ایالات متحده و بریتانیا ارزشی واقعی خواهند داشت و حتی اگر اقدام نظامی نهایی در آن انجام نپذیرد، جایگاه مصدق را آسیب‌پذیر و متزلزل خواهند ساخت.

هزینه برآورد شده کلی مورد نیاز برای اجرای این برنامه، رقمی معادل ۲۸۵/۰۰۰ دلار خواهد بود که ایالات متحده ۱۴۷/۵۰۰ و بریتانیا ۱۳۷/۵۰۰

دلار آن را فراهم می‌کنند.

## دوم. برنامه عملیاتی

### الف. پشتیبانی مقدماتی از مخالفان دولت مصدق

پایگاه عملیاتی ایالات متحده و گروه بریتانیایی (برادران رشیدیان) ارتباط نزدیک چند ماهه‌ای با زاهدی داشته‌اند. گروه بریتانیایی ۵۰/۰۰۰ دلار (چهار تا پنج میلیون ریال) برای این پشتیبانی فراهم کرده است.

در طول این دوره مقدماتی که از ۱ ژوئن ۱۹۵۳ (۱۱ خرداد ۱۳۳۲) آغاز می‌شود و بنابر برآورد، حداکثر ۲ ماه به درازا می‌کشد، ایالات متحده ۳۵/۰۰۰ دلار و بریتانیا معادل ۲۵/۰۰۰ دلار فراهم خواهند کرد. پایگاه عملیاتی ایالات متحده بخش نخست این اعتبار را تحویل داده است.

وجوه بریتانیا کماکان از طریق شبکه‌های موجود برای اهدافی پرداخت خواهند شد که توسط بریتانیا یا پایگاه عملیاتی ایالات متحده از جانب بریتانیا تعیین می‌شود.

وجوه ایالات متحده نیز مستقیماً از طریق رابط‌های پایگاه عملیاتی آن کشور تأمین و برای گسترش هدف مشخص و تقویت ارتباطات نظامی و سیاسی زاهدی توزیع می‌شوند.

زاهدی در اوایل این دوره، از این پشتیبانی دو جانبه و نیز از مفهومی مشترکی که باید منتج به پشتیبانی منسجم‌تر شود، کاملاً آگاه خواهد شد. در طی این دوره، این تصور باید در میان اطرافیان زاهدی، القا شود که راه به وسیله نداشتن اعتبار، او را حمایت می‌کند.

هماهنگی میان فعالیت پایگاه عملیاتی بریتانیا - ایالات متحده در مورد این طرح در حال توسعه، از راه ارتباط مستقیم میان کارکنان پایگاه ایالات متحده و گروه بریتانیایی از یک سو و پایگاه ایالات متحده به نمایندگی از بریتانیا از

سوی دیگر و به وسیله انتقال دستورات و عملکرد همچون یک حلقه ارتباطی مطمئن برای وجود پیوندهایی که هم اکنون موجود است، انجام می‌پذیرد. گامهایی مناسب برداشته خواهد شد تا پیروی همه جانبه سیاست آشکار ایالات متحده از آرمان این برنامه تضمین گردد.

### ب. نقش شاه همچون کانون مرکزی مخالفت

این برنامه بر این فرض استوار بود که شاه همکاری خواهد کرد. این همکاری بهترین فرصت برای موفقیت یک کودتای نظامی است. با وجود این، با مشارکت ناخودآگاه شاه در این طرح نیز، شیوه عملیات به همین صورت باقی خواهد ماند. شاه برای بازی کردن نقش خود به آمادگی ویژه‌ای نیاز دارد. از آنجا که شاه ذاتاً فردی نامصمم و در حصار نرده‌ها و بیم‌های مبهم است، او باید به بازی کردن نقش خود ترغیب شود. این نقش باید متضمن عملیات برنجینی باشد و تا آن جا که ممکن است دوره زمانی کوتاهی را در برگیرد.

ما بر این باوریم که شاهدخت اشرف، خواهر دوقلوی نیرومند و توطئه‌گر شاه، فردی مناسب است که می‌تواند او را به بازی کردن نقش خود ترغیب کند. ما مطمئنیم که اشرف مشتاقانه در راه سرنگونی مصدق همکاری خواهد کرد. از این رو، باید با او در محل سکونت کنونی اش تماس گرفت، او را از وظیفه‌اش آگاه ساخت و به ایران فرستاد. ارتباط میان اشرف و پایگاه عملیاتی ایالات متحده می‌بایست پیوسته برقرار باشد.

شاه می‌بایست در سه مرحله نقش خود را بازی کند و اشرف او را برای گام نهادن در هر مرحله آماده کند. مرحله نخست، متقاعد کردن شاه در این باره خواهد بود که ایالات متحده و بریتانیا در ایران یک هدف منسوخ دارند و همزمان باید نرس بیمارگونه او را در مورد دست پنهان بریتانیا بر طرف کرد.

مرحله دوم، مشخصاً آگاه کردن او بپرامون این است، که آینده نه چندان دور برای او چه در پیش دارد. مرحله سوم، به دست آوردن برخی موارد مشخص از جانب او است. تفصیل این مراحل به شرح زیر است:

#### ۱. مرحله نخست:

رهبر گروه بریتانیایی پس از مشورت با شاهدخت اشرف، یا شاه دیدار می‌کند تا او را مطمئن سازد که ایالات متحده و بریتانیا اهداف مشترکی در ایران دارند و این که هر دو می‌خواهند در راه مخالفت با مصدق ببسترین تلاش خود را در حمایت از او به کار بندند. رهبر گروه بریتانیایی خواهد گفت او در موقعیتی است که می‌تواند ثابت کند بریتانیا شاه را حمایت می‌کند و این که او اجازه یافته تا از طرف آن دولت اعلام دارد که هر گونه عبارت کنبدی که شاه گزینش کرده، از میان تعداد پیشنهادی، در تاریخهای پی در پی و از بخش فارسی بی بی سی بخش خواهد شد.

#### ۲. مرحله دوم:

ژنرال شوارزکوف<sup>۱</sup> (فرمانده پیشین هیأت نظامی ایالات متحده در ژاندارمری ایران)، به عنوان نماینده ویژه ایالات متحده و با اعلام قبلی شاهدخت اشرف، یا شاه دیدار می‌کند. این نماینده، پیش از این، در نتیجه سفر کاری و موفقیت آمیزش در چند سال پیش به ایران، برای شاه بسیار شناخته شده و مورد تحسین او است.

مطالبی که او به شاه می‌گوید، شامل دو بخش است.

بخش نخست، شامل نکات زیر است:

(الف) مسأله نفت در این زمان، برای دولتهای ایالات متحده و بریتانیا، در درجه دوم اهمیت قرار دارد. زیرا موضوع اصلی، عزم دو دولت برای پاسداری از استقلال ایران است. دولت مزبور اکنون برآنند تا ایرانیان را

1 General Schwarzkopf